

ملیت در هنر

هنوچهر شیبانی

در پهنه جهان، هنرها همانند زمین، گیاهان و جانوران گونه گون بردامان زمان برسینه آب و هوای هر محیطی پیدایش مییابد، جوانه میزنند، میروید گسترش مییابد و بادیکر عوامل میآمیزد و دگرگونی می پذیرد .

هنرها زائیده دست و احساس بشر است و بشر جنبنده ای است بر روی زمین . زمین را بادها و ابرها و تابش خورشید و زمین لرزه ها و سیلها شکل می بخشد. آنگاه بشر در این شکلهای دگرگونی پذیرنده باریک میشود... باریک میشود و می آفریند.

در میان قبایلی که در مناطق استوایی اقیانوسیه زندگی میکنند (بولنیزها) طرحهای پیچیده و تودرتو را برای ظروف و چماقها و حتی برای خالکوبی روی بدنشان انتخاب میکنند ... این طرحهای آستره جنبه جادویی ندارد و بدقت کنده کاری و نکارگری شده و سکون و اعتدالشان نمودار وقت و ادراک نقش آفرینان آنهاست . هیچگونه رنگی با این نقوش درهم نمی آمیزد. ریزه کاریها و قسمت بندیهای آن شبیه نقاشیهای بیماران هیستریک (مصروع) است .

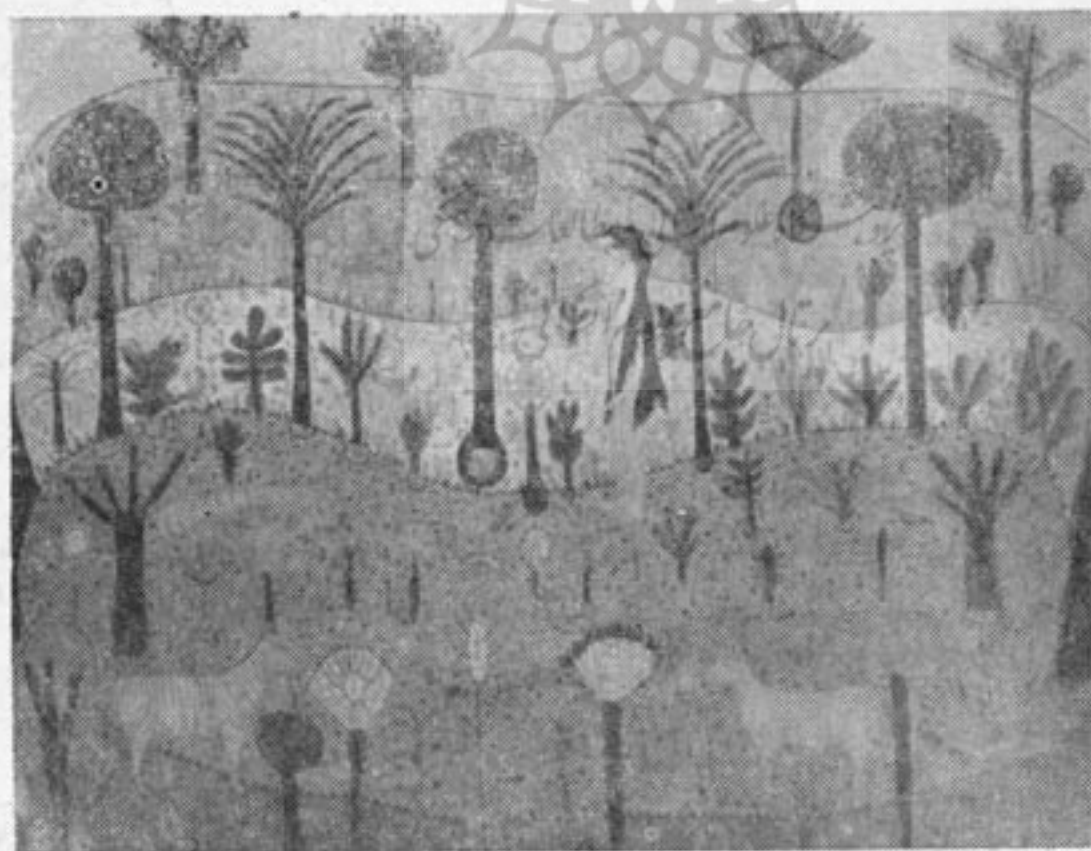
چوب را صیقل میزنند تا جاییکه رگهای آن خود بخود نقش پیش بینی نشده ای را هویدا سازد.

لباس‌های ساخته شده از پوست درخت را بارنگ قهوه‌ای سوخته تزیین میکردند
بولنیزها در مقابل نفوذ هنر خارجی و عناصر خارجی مقاومت میکردند و اغلب
طبیعت و دیگر گویهای آنرا در هنر خود نشان میدادند. در حقیقت این وضع در اثر
محیط و وضع جغرافیائی آن نواحی بوده است.

در کشورهای آفتابی و سوزان مانند مصر، عربستان، مکزیک و برزیل از دیر باز
شکل‌های هندسی و خطی که بازوایای قائمه و پررنگ‌همه‌ی عوامل طبیعت را نمایانده‌اند
متداول بوده است.

بنای معابد مصری باشکل‌های هرمی شباهت شکفتی با معابد شهر «چی‌چن‌ایتزا»
(Chichenitza) که یکی از شهرهای با عظمت قوم مایا در امریکای مرکزی است، دارد.
معبد هرمی شکل «ال کاستیلو» (El. Castillo) که در این شهر است با
آرامگاه هرمی شکل «کفرن» (Chefrene) و «میسرینوس» (Misirinus)
فراغه مصر از لحاظ شکل و وضع ظاهری قابل تطبیق است.

اگرچه هر کدام از این دو بنا متعلق بتمدن‌های کاملاً متفاوت بوده و از لحاظ
جغرافیائی فرسنگها از هم دورند ولی اگر به مدار کمر بندی آن توجه کنیم خواهیم
دید که هر دو در این مناطق در یک مدار قرار گرفته‌اند.
زیگورات‌های بابلی با معبد Kukulcan در امریکای مرکزی نیز شباهت عجیبی دارد.



نقاشیهای عامیانه مذهبی (بهشت)

شکل جنگاورانی که بر دیوارهای تالار عظیم این معبد نقش شده و لباسهای تشریفاتی آنها که بطور نیم برجسته ساخته شده و زینت آلات آنها که ریزه کار و نقوش مثلث و مستطیل شکل در همی را مجسم میکند باشکل ابوالهولهای آشوری و مصری که عظمت و جاوید زیستن این موجودات را مینماید گومی از احساس هنری مردمی است که در یک محیط زندگی میکرده اند.

آفتاب شدید و سوزان و زمینهای خشک و کم باران هر نوع ابهام و محوی را از بین می برد.

طرح بر قدرت، مهارت در اختصار - قدرت در برجسته نشان دادن هیكلها بوسیله خطوط - مشخص کردن حدود شکلها بکم رنگهای قرمز و سیاه از مشخصات هنر نقاشی و حکاکی آثار هنرمندانی است که در این مناطق زیسته اند و آفریده اند. همچنین آثار هنری چینیها و ژاپنیها، از بکها، ترکها و فلانانديها و اسکیموها که در وضع جغرافیائی خاصی قرار دارند کم و بیش بهم پیوند دارند.

آسمان مه گرفته ابری، کم آفتابی، مرطوبی همه ی موجودات را در یک حالت وهم گرفته مینمایاند... شکلها جسمیتشان را از کف میدهند و با این از کف دادن ها سنگینی شان کاهش می پذیرد. حجمها به رسوی میگردانند و بزرگی میگیرند. حدود شکلها محو و همه ی موجودات گومی لکه هائی هستند باز بچه بادومه. خطها نیز برای مشخص کردن اشکال بکار گرفته میشوند. ناپایداری در همه چیز بچشم میخورد. کوهها و آبهای مه گرفته از موضوع های اساسی نقاشی های آنهاست.

در «شان سوی» (Shan Sui) (دور نما) چینی شناخت کامل عوامل طبیعی انکار گران آن بچشم میخورد و این لغت در زبان چینی بمعنای آبها و کوههاست. گلها مخصوصاً نیلوفر آبی و حیوانات و پرندگان و درختها از موضوعهائی است که نظر نقاشان چینی را بخود جلب کرده است. انسان، در آثار نقاشی چینی بسیار بندرت بکار گرفته میشود. توجه هنرمندان چینی و ژاپنی به عوامل طبیعی و تأثیر آب و هوا و وضع جغرافیائی محیط در این نوع آثار غیر قابل انکار است. کم آفتابی نقاشان را از بکار بردن رنگهای تند و نور در آثارشان باز داشته است.

در تزئینات چینی خطوط متحرک و لکه های دوار که از نقاط مختلف تابلو بیرون میآیند و باز بدرون آن محو میشوند بسیار دیده میشوند.

بارانهای سنگین مخصوصاً در نواحی کوهستانی و ابرو مه مداوم تنوع رنگها را از میان می برد - اگر در آثار هنری این مناطق بار بک شویم ممکن است به رنگهای

تزدیک بهم کم ارتعاش برخوردار کنیم که تا اندازه‌ای حدود خطها ولکه‌های سیاه یا قهوه‌ای سوخته را اندوه باشد ولی مسلماً از نور اثری نخواهیم یافت.

فضاهای تاریک نقاشیهای شمال اروپا نیز از این قاعده نمیتواند جدا باشد. آب و هوا و وضع جغرافیایی هر محل در هنرهای تصویری نقش بارزی ایفا میکند.

موسیقی این نقاط برخلاف موسیقی نقاط گرمسیر که با سازهایی نظیر طبل و دهل و نی‌های درشت آهنک (کرنا)، ضربات مقطع و زیر و بم‌های مشخص در گوش ایجاد میکند با سازهای زهی و فلوت‌ها آهنک‌هایی دربر دارد که با کشش و نرمش مخصوصی اعصاب را آرامش می‌بخشد و روح را بعالم دیگری سوق میدهد و مسحور میکند. و این زمینه بسیار مناسبی برای تزکیه نفس است.

آب و هوا و وضع جغرافیایی هر محیطی تأثیر شدیدی در روحیه ملت‌ها دارد. اقوامی که در نقاطی زندگی می‌کنند که از لحاظ جغرافیایی در شرایط مشابهی قرار دارد.

از لحاظ روانی اخلاق و عادات و همچنین اعتقادات مذهبی ارتباط زیادی بین آنهاست.

از زمانهای بسیار دور بشر ابتدائی برای بقای خود مبارزه میکرد و مانند حیوانات دیگر غیر از شکار جهت خوردن و خوراک را هم فقط برای زیستن می‌خواست و برای بقای نسل نیز به توالد و تناسل می‌پرداخت. این شکل ساده زندگی بنا به نیازمندیهای روانی و اندیشه و تخیل بی کرانه‌اش دگرگونی و تکامل می‌پذیرفت.

از ابزار و آلات کندوکاو گرفته تا سلاحهایی که با آن بجنگ حیوانات می‌رفت تا جانپناهایی که در برابر گزند حیوانات برای خود می‌ساخت ابتدائی‌ترین



مجسمه‌های مذهبی هندی

تار هنری آنها محسوب میشد.

ولی در طی زمانهای بسیار ذوق هنری ازابزار مختلف زندگی به آثاری بیشتر روید که تخیلات و آرمانها و رؤیاهای شیرین یادهشتناک آنها را در مقابل آفرینندگان امل جوی و طبیعی روی آورد. ساختن بت های مختلف، نقوش درهم و پیچاپیچ و

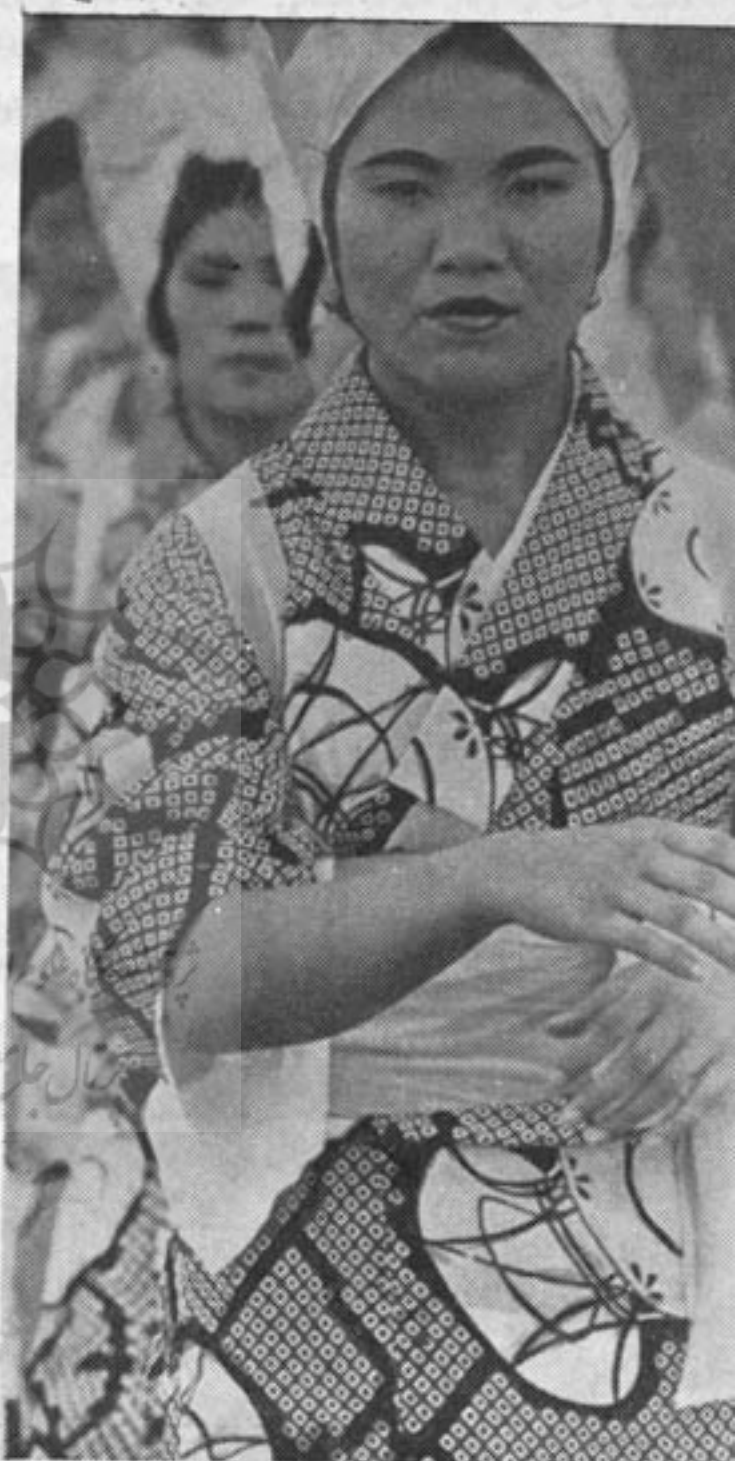
رمزی الواح جادوگران
و کنده کاری های شکفت -

انگیز و مسحور کننده نقوش
مختلف که در آخر منتهی
بخطوط هیرو گلیف (خط-
های تصویری) گشت نمودار
ذوق بشری در مجسم ساختن
آنهاست .

تجمل و تفنن دو عاملی
بودند که این آثار را
بوجود آوردند . انتقال
احساس فردی با اجتماع
خود بوسیله هنر ایجاب
میگرفت .

در اواخر دوران چهارم
زمین شناسی (ده هزار سال
پیش از میلاد مسیح) یخبندان
پایان میرسد .

و تطوّر طولانی مناطق
گرم که انسان برای بدست
آوردن حیوانات از کوهها
به سواحل رودخانه پناه
میبرد و برای خود در کناره
رودخانه و بسر روی
آب از چوب درختان
مساکنی میسازد و از سنگ
های چخماق برای خود
ابزارهایی مانند تبر ساخته
است .



لباس محلی ژاپنی

در دوران تطور مناطق سرد ، پناه انسانها به غارهای کوهستان است و دست یابی به گوشت کوهی و گاوها واسبان است که برای دست یابی بآنها نقششان را بردیواره غارها بطور بسیار طبیعی کشیده اند. از شاخ این حیوانات دشته ها، قلابها، حتی ابزار صیقل دهنده ساخته اند و نقوشی تزئینی نیز بر روی بعضی از آنها نقش کرده اند.

استفاده از رنگ خاکهای مختلف در نقاشی غارها بزودی متداول گشت. طرح های دیگری که با سنگهای نوک تیز از بزهای کوهی بردیواره غارها حکاکی شده بدست آمده است.



هنر افریقائی

البته باید دانست گاهی برای حق شناسی و بیشتر جهت ارتزاق قبیله خود نقاشان آندوره درباره بوجود آوردن این طرحها و نقاشیها کوشیده اند. پس از آن انسان ابتدائی از ترسیم حیوانات برای مقاصد شکار و ارتزاق قبیله بسوی توتیم پرستی روی میآورد و هر حیوانی را مظهر یکی از عوامل طبیعت می بندارد و هنر بیان کننده احساسات مذهبی قرار میگیرد تا جائی که اقوامی مانند

مصریها و آسوریها آمین پرستش حیوانات مقدس و ستایش آنان را بوسیله حجاری و مجسمه سازی و نقاشی جزو اشتغالات روزانه خود قرار میدهند.

در دورانهای بعد که بشر که به کشف مفرغ و فلزات دیگر از قبیل طلا و نقره دست یافت و آثار هنری سنگی صیقلی شدند برای تفنن اشیائی مانند گوشواره ، سینه ریز ، تاجها و سایر تزئینات ساخته و پرداخته بود.

بدین مناسبت تفنن بشری نیز یکی از علل بوجود آمدن آثار هنری محسوب شد . انواع هنرهای تصویری باصوتی روی همین علل ذکر شده بوجود آمد و تکامل پذیرفت . پس از چندی عقاید مذهبی هر قومی بر روی هنر اثر گذاشت.

اخلاق و عادات اقوام مختلف در ترکیب و ایجاد نقشها و گردشها و پهنی و نازکی خطوط و همچنین طرز رنگ گذاری و انتخاب و هم آهنکی رنگها و آهنکها بی تأثیر نماندند.

موسیقی کولیهای اسپانیائی و مکزیکئی و عربی باهمه اختلافی که باهم دارند از لحاظ شکل تداوم باهم تشابه غیر قابل انکار دارند.

میناتورهای ایرانی و ایتالیای شمالی و هندی در قرون وسطی نیز از لحاظ هم آهنکی رنگها و گردش طرحها و قلم گیریها باهم شباهت عجیبی دارند.

اقوامی که در نواحی کوهستانی زندگی میکنند مانند کردها ، یوگوسلاوها (سربها) ، اسلاوها ، قفقازیها و ترکمنها با نقوشی که بر روی منسوجات و زیورآلاتشان بوجود میآورند ، یک دنیای رمزی از نقشهای مختلف هندسی و ترکیب های قرینه سازی در جلو بینندگان آثار هنرشان میکشند.

هنرهای ملی اقوام مختلف جهان ترکیبی است از سوابق تاریخی ، شکل نژادی و وضع جغرافیائی آفرینندگان آنها...

مقاله علمی و تحقیقاتی در زمینه تاریخ هنر و باستانشناسی
موضوع: بررسی سبک‌های هنری در دوره‌های مختلف و تأثیرات جغرافیایی و تاریخی بر آن‌ها.
این مقاله به بررسی سبک‌های هنری در دوره‌های مختلف و تأثیرات جغرافیایی و تاریخی بر آن‌ها می‌پردازد. در ابتدا به سبک‌های هنری در دوره‌های مختلف اشاره می‌کند و سپس به بررسی سبک‌های هنری در دوره‌های مختلف می‌پردازد. در ادامه به بررسی سبک‌های هنری در دوره‌های مختلف می‌پردازد و در نهایت به نتیجه‌گیری می‌رسد.